

## اندیشه هنرمندان امروز

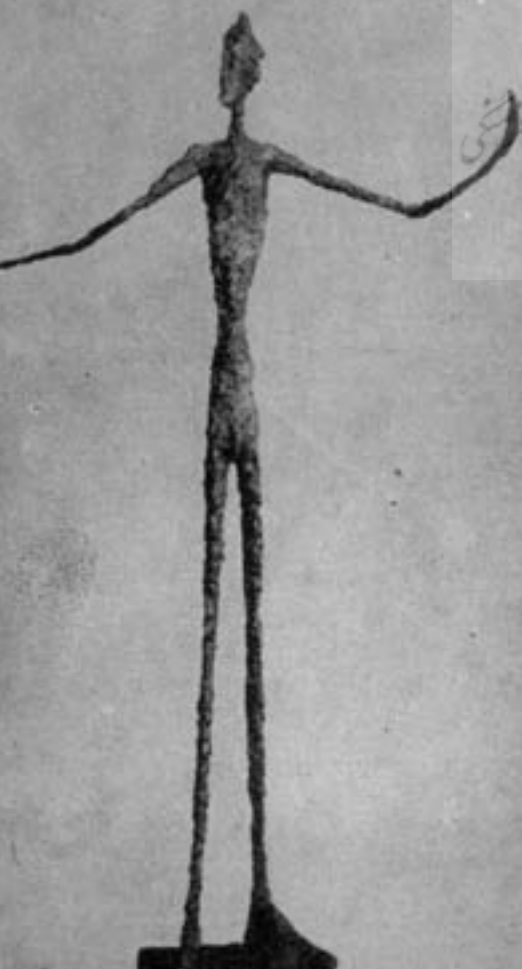
مجله شعر و هنر «چشم بیر» Tiger's Eye قطعانی از اندیشه های چند تن از پیکر سازان امروز را که شیوه های نو ابداع کرده اند با نمونه های از آثار ایشان درج کرده است. ترجمه بعضی از آن قطعات با نمونه هایی از پیکر سازی نو در این صفحات به نظر خوانندگان می رسد. در باره پیکر سازی انتزاعی و شیوه های اخیر این رشته از هنر در آینده مقالاتی منتشر خواهیم کرد.

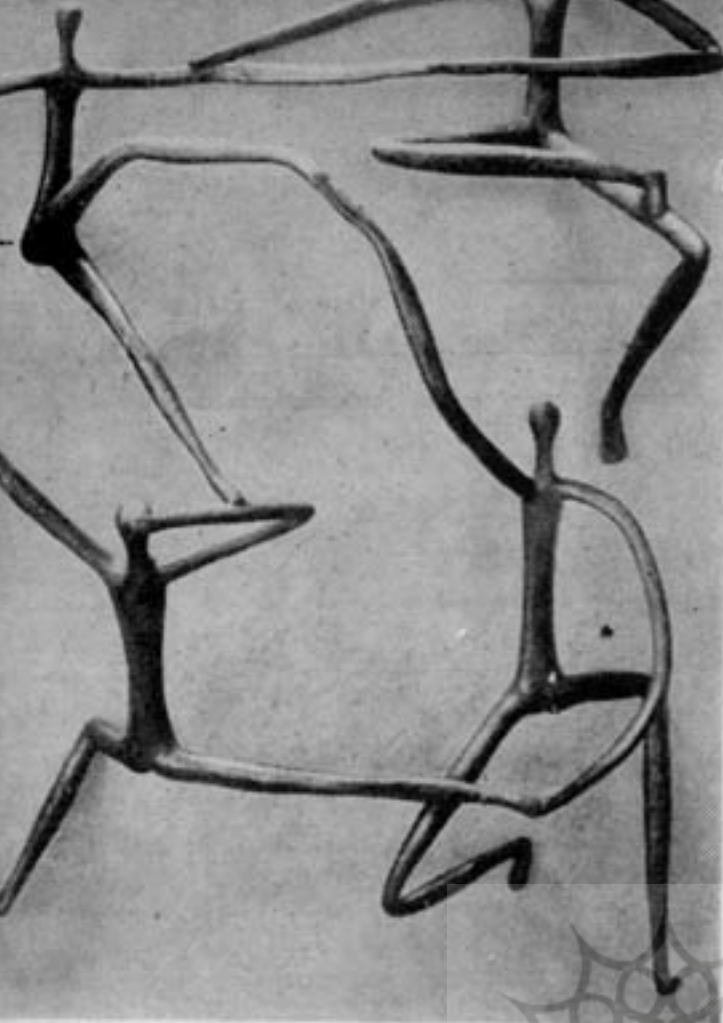
### هانس آرپ Hans Arp

#### مقیاس هر چیز

رفتار انسان چنان است که گویی خود جهان را آفریده است و می تواند آن را به بازی بگیرد. از همان دم که بشر تکامل خود را آغاز کرد، چنان نمود که خود مقیاس هر چیز است. سیر دست به کار شد و هر آنچه در دسترس خود یافت دگر گونه و واژگون کرد. « ونوس دو میلو Venus de Milo » شکسته به روی زمین افتاد. انسان به مقیاس چیزها، هر چیز را سنجید، و خود را سنجیده انکاشت. زیبایی را چون جامه برید و دوخت و زوائد آن را به دور ریخت. همین به اندازه بریدن پیشه «پود» سازی و انسانی و مطالعات فلسفی به وجود آورد. و تالارهای «مد» دیوانگی های گوناگون را پدیدار ساخت. ناپسندانی، ناآرامی، بوجی، دیوانگی و آشفتگی، جهان را در خود گرفت. و جنین های دوسر، که سرشان شکلی هندسی دارد، پیکر کسانی که سری چون سر اسب آبی اما زرد رنگ دارند، هیولای بادبزنی شکل پهنی که دارای خرطومهایی چون فیل و معده هایی دندان دار هستند و چوب در زیر بغل دارند، هرم های بسیار

هری که اشاره می کند. کار  
آلبر توجیا کومتی (مفرغ) ساخته  
شده در سال ۱۹۴۱





فربه یا لاغر که پاهای خود را در عقب خوبش به روی زمین می کشند و اشک در دیده دارند ، کلوخ هائی که دارای آلت تناسل هستند و . . همه و همه در نقاشی و مجسمه سازی ظاهر شدند .

زیبائی زیر ویرانه های قرون مدفون نیست آن زمان که شخصیت، عقل و فلسفه از ژرفنای افسانه آمیز انسانیت اساطیری سر بر کشید ، هنگامی که انسان به وجود طبیعت پی برد، آن وقت که زمین در بای موج، هوای مرطوب و هیولای اثیری با آرامش، سرود خود را آغاز کرد ، زیبایی بایبگری برهنه در میان انسانها به زندگی آغازید .  
 در هر قرن زیبایی صورتی دیگر یافت ،  
 زیبایی زیر ویرانه های قرون مدفون نشد ،  
 در تمدن مایا Maya در سراب ناپدید

خرس کار دیوید هیر (مفرغ)

رئس نشسته . کار هری گری (مفرغ روی گچ)

گردید . آنقدر جامه زیبا و گرانها و نادر بر سرش ریختند که نمی دانست در کدام يك جلوه کند .

تصویر اصلی و واقعی زیبایی کدام است ؟ تصویر « زیبایی چشمه جوشان کدام است ، عکس سرچشمه جاری آن . . . ؟ » ،  
 عکسهای برهنه یونانی ، ظواهر فریبنده ،  
 حجاب ، جلوه های دوره رئسائس ، آرزوهای از جسم روی بر تافته دوره « کونیک » ، شکلهای گروهی و مکعب زمان ما ، یا عشق که « امپدوکلس Empedocles » در باره آن گفته است:

« در روز نخست دوبازو از تن نیاویخته

۱ - تمدنی که در قاره آمریکا پیش از کشف آمریکا و رفتن سفیدپوستان بدان سر زمین وجود داشته است و آثار شکفتنی از آن در جنگل های مکزیک و کشورهای شمال امریکای جنوبی باقی مانده است .



بود ویا و زانوی چابکی در میان بود ، و اندامهای تولید مثل وجود نداشت ، بلکه تنها «سپهر» ی بود با جلوه های گوناگون آن .

### الکساندر کالدور Alexander Caldor

مدتها پیش در سال ۱۹۲۳ زمانی که برای اولین بار به پاریس رفتم ، فریادی شنیدم ، این صحنه در کلاس طراحی مدرسه « گراند شامیر Grand Chaumière » روی داد . خانم جوانی از مردم استانهای جنوب وارد اطاق شد و فریاد زد : خودم هم نمی دانم چه می کنم ، نقاشی یا قلم زنی ؟

از آن زمان تا کنون اغلب به خوبی دریافته ام که چه می خواهم ، اما در چند هفته گذشته وضع ناگوار آن بانوی جوان را داشته ام چون درین مدت قلم زنی می کردم . سروکارم با زخمهایی است که از قطره های اسید در دستهایم به وجود آمده است و جای آنها درد می کند . « خاك » سیاهی که روی دستهایم نشسته است ، چسبندگی که در همه چیز می یابم ، و توده پارچه های کهنه و پاره ، روزنامه ... از همه چیز گذشته خطر آتش سوزی وجود دارد . احساس می کنم بار دیگر در انبار ذغال سنگ کشتی کار می کنم ( چون یکبار به این کار دست زده ام تا خود را به سانفرانسیسکو برسانم - اول قرار بود به « هونولولو Honolulu » بروم سپس به سواحل غربی بازگردم - اما افسران کشتی بمن پس از صحبت کردن هم عقیده شدیم که اگر در سانفرانسیسکو که اولین بار به آنجا می رفتم بمانم برایم مفید تر است و بهتر می توانم کار کنم .

تولد صورت کار اوسیب زاد کین (مفرغ)

سالها پیش چندین بار قلم زن ها را دیدم که هنگام کار چنان بر صفحه های مسین دست می کشند و از آنها مواظبت می کنند که انسان فوراً در می یابد علاقه آنها از حد محبت و عشق هم گذشته است . اما من بدان قانع بودم که بر صفحه مسین آب دهان اندازم و سپس کمی اسید روی آن بریزم و در تمام مدتی که اسید صفحه را می خورد به جوشش آن و بخارهایی که از آن بر می خیزد بنسگرم ، آن را زیر و رو کنم و کف ها را با پر کبوتر به کنار زنم در نظر من زدودن « خاك » ها که همیشه توده ضخیم و سیاه رنگی را به وجود می آورد ، تا راحت کننده ترین قسمت این کار است . نفرت من از این کار سبب شد که من ده دوازده صفحه را به این حدمی رساندم و روی هم می انباشتم و یکبار به آنها رایاک می کردم .



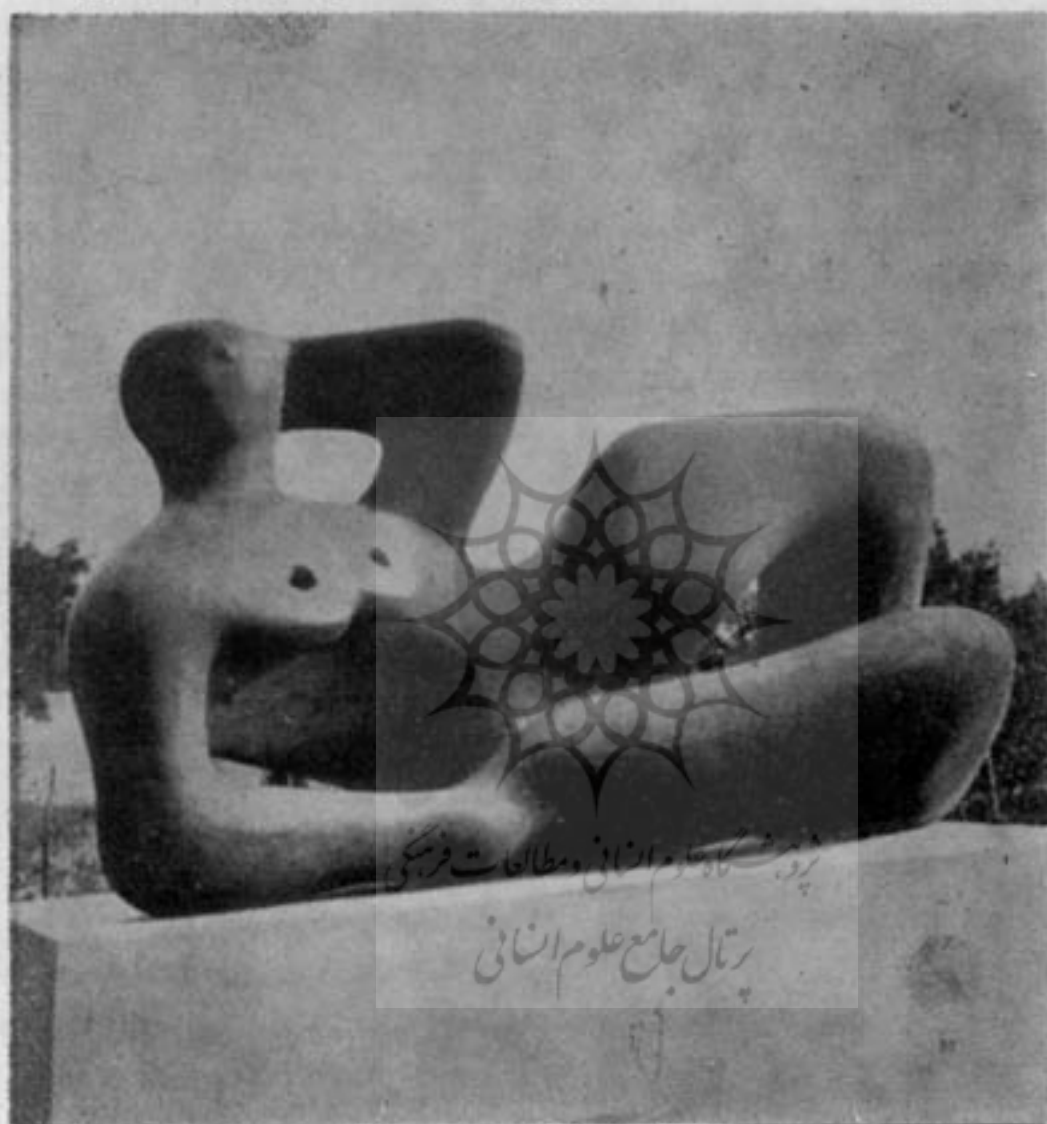
مطالعات فرهنگی  
علوم انسانی

در آغاز کار نمونه می گرفتیم ، اما از آن پس بدون نمونه کار می کنم و هنوز نمونه پانزده یا بیست صفحه‌ای که اخیراً ساخته ندیده ام .

با وجود همه این رجزخوانی‌ها کار خود را دوست دارم و از آن لذت می‌برم .

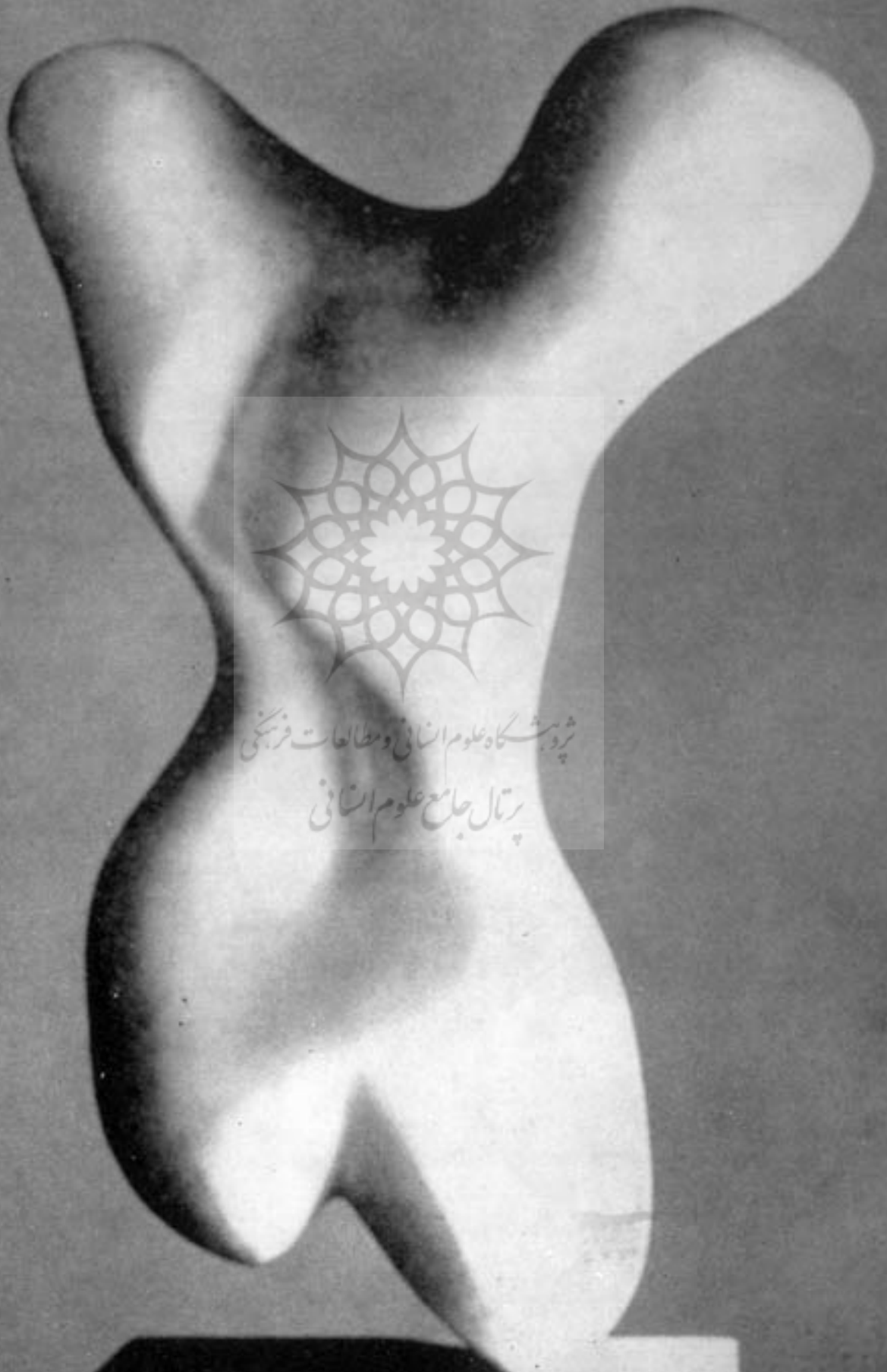
**ماری کالری Mary Callery**

بهار . . . روزهای آزادی ، بهترین آرزوها ، همراه سوسن‌های وحشی . . .

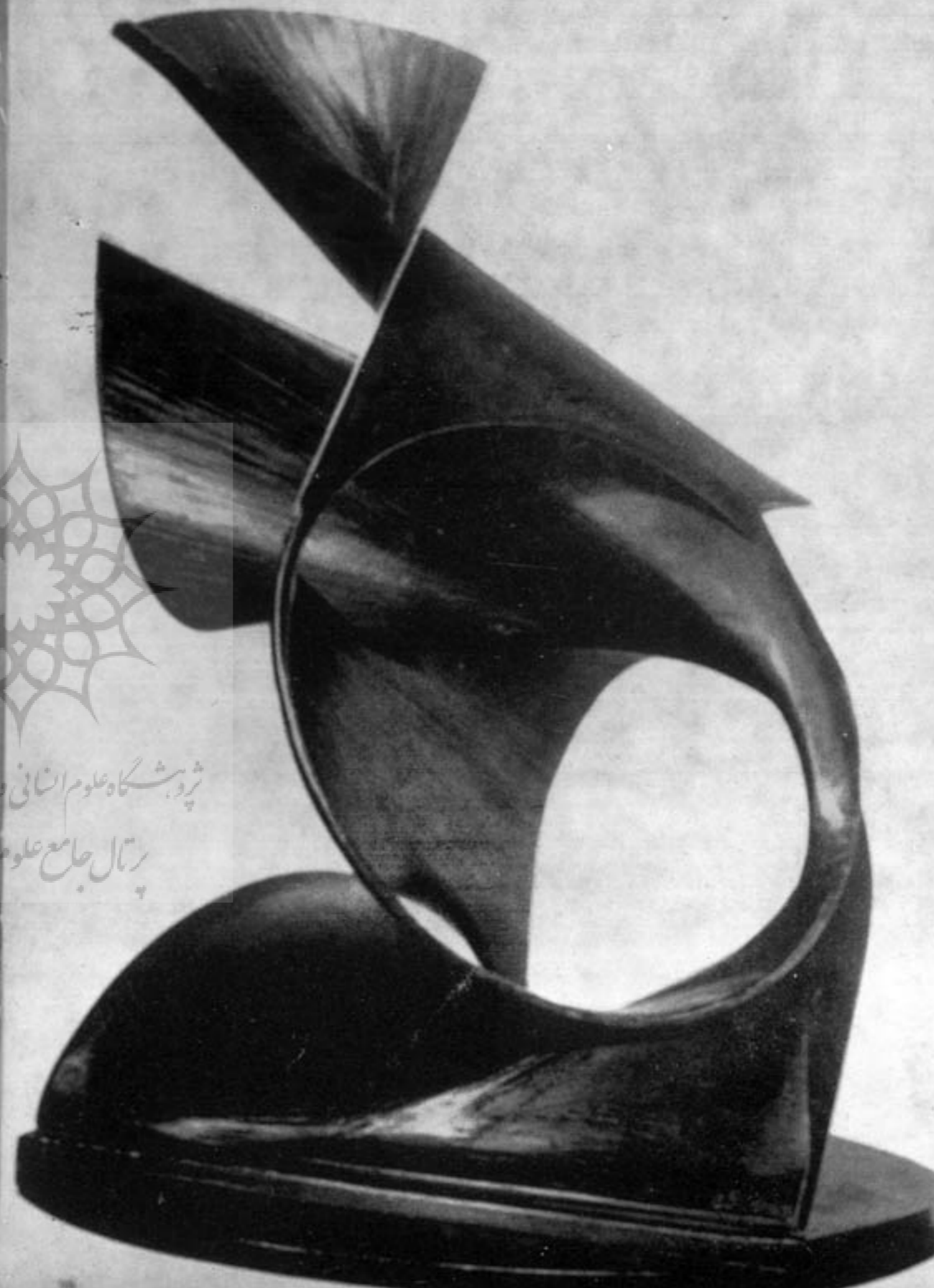
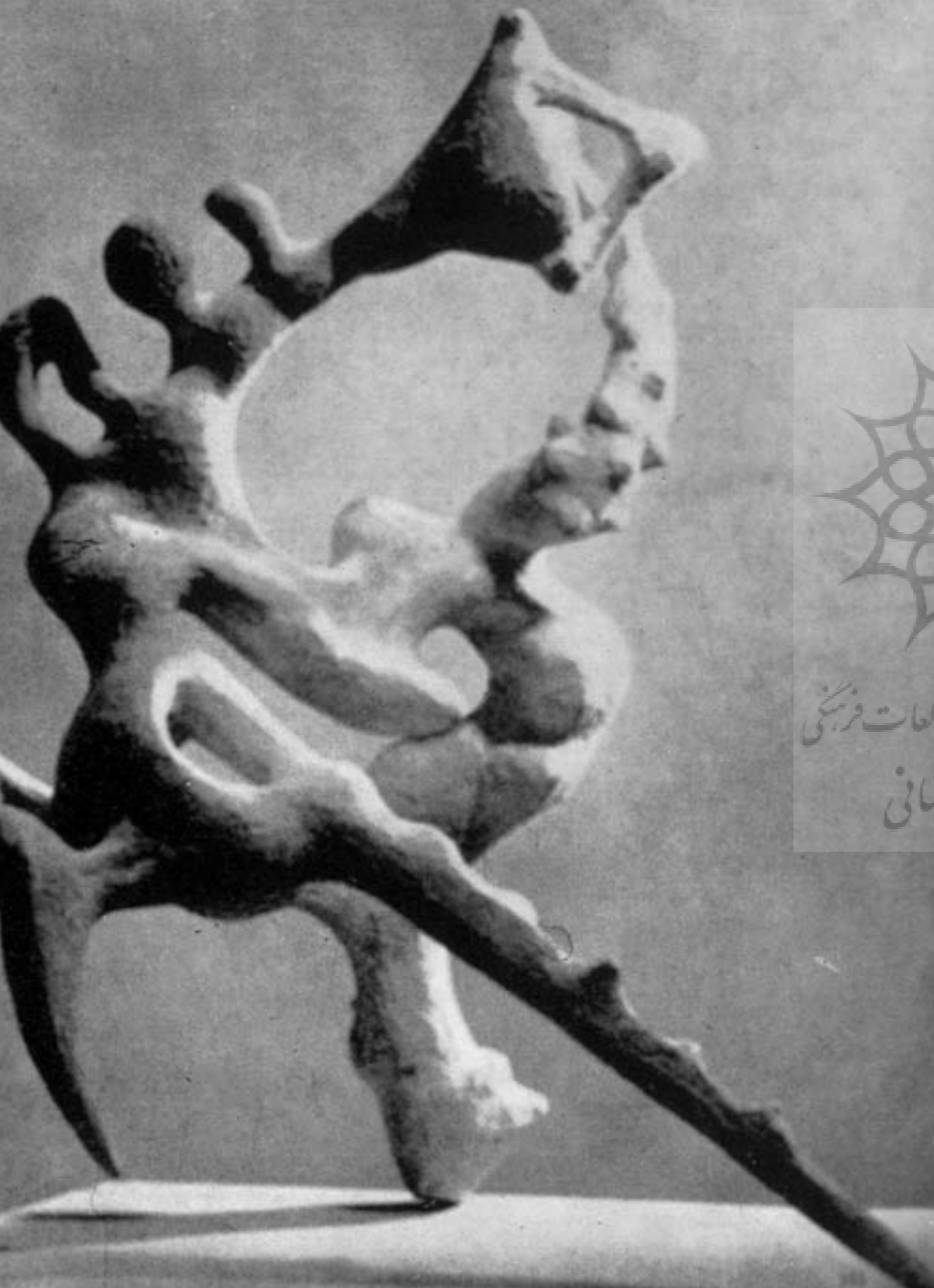


پیکر آسوده کار هنری مور (سنگ)

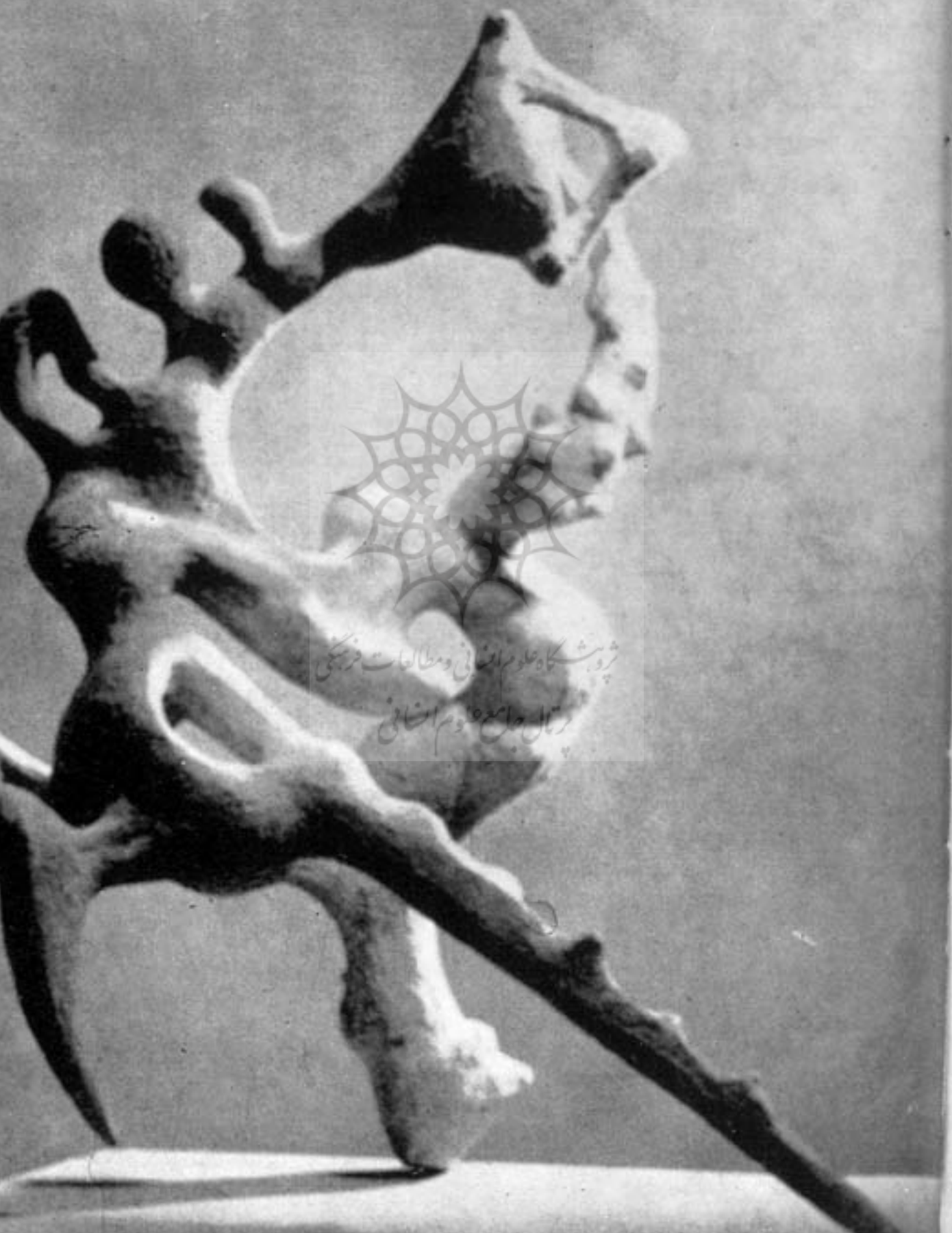
آزادی ، پایه ضروری و اصلی هنر ، هنوز امکانش از راه عجز و ناکامی است . . . از دست دادن وشکست خوردن بی‌دری . . . اوج کمال‌دشت و کوهستان ، همه‌جا زیبایی ، رستنیهای گوناگون ، دشتهای مشجر ، سبز و خرم و نورسته . . . اما اگر کسی با این‌ها بزرگ‌شود . . . آنگاه لطمه‌ای ناگهانی - نه ، اینکار زشت و خالی از لطف است . ما چون گیاهان نیستیم و خورشید به هر طرف که می‌رود به سویش روی نمی‌گردانیم ، این توفیق که در شب آبیاری مان کنند تا قامت برافرازیم نصیب مانی‌شود ، سر برافراشتن ما باین تعالی باشد . ابد با ایمان کامل باشد ، محسوس باشد ، دریافته‌ی و دیدنی باشد . . . و بی‌شک چنین خواهد بود .



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
روزنامه اطلاعات، دوم اسفندی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی